

## رابطه سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اختلال عملکرد جنسی

### Relationships between Attachment Styles and Early Maladaptive Schemas with Sexual Dysfunction

*F. Sadeghi Bidmeshki, M.Sc.*

فرزانه صادقی بیدمشکی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

*M. Mir Hashemi, Ph.D.*

دکتر مالک میرهاشمی ✉

دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۲/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۵/۱/۲۹

#### Abstract

The present research was aimed to investigate the relationship between attachment styles and early maladaptive schemas with sexual dysfunction. The method of this study was designed as non-experimental correlation type. From the statistical population of married female students of Islamic Azad University, Roudehen branch in 2013, 125 students were selected based on multistage random sampling and targeted method.

#### چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اختلال عملکرد جنسی بود. روش تحقیق بر مبنای مفروضه تحقیقات غیرآزمایشی از نوع همبستگی بود. از جامعه دانشجویان زن متأهل شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال ۱۳۹۲ براساس نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای و هدفمند ۱۲۵ نفر انتخاب شدند. اطلاعات لازم از طریق اجرای سه پرسشنامه سبک دلبستگی هازن و شیور،

✉Corresponding author: Iran, Roudehen, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Department of Psychology.

Fax: +98-09127399912

Email: [mirhashemi@riau.ac.ir](mailto:mirhashemi@riau.ac.ir)

✉نویسنده مسئول: گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

تلفن تماس: ۰۹۱۲۷۳۹۹۹۱۲

پست الکترونیکی: [mirhashemi@riau.ac.ir](mailto:mirhashemi@riau.ac.ir)

Data were collected using the Hazan & Shaver's Adult Attachment Questionnaire, the Young's Schema Questionnaire-Brief Form and the Sexual Function Questionnaire (SFQ). The results indicated that there were significant correlations between the two variables of detachment and rejection and avoiding attachment style with sexual function. Thus, it can be told that the quality of early attachment and early maladaptive schemas can be correlated with sexual healthy function or dysfunction and later social relationships with peers and adults.

**Keywords:** Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas, Sexual Dysfunction.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه یانگ (فرم کوتاه) و پرسشنامه ارزیابی عملکرد جنسی جمع آوری شد. یافته‌های این مطالعه مبنی بر وجود همبستگی معنادار بین دو متغیر بریدگی و طرد و سبک دلبستگی اجتنابی با متغیر عملکرد جنسی می‌باشد. در نتیجه، می‌توان گفت فرضیه تحقیق به این صورت پذیرفته می‌شود که کیفیت دلبستگی اولیه و طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه می‌تواند با سلامت یا اختلال در عملکرد جنسی و روابط اجتماعی بعدی فرد با همسالان و بزرگسالان در ارتباط باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، عملکرد جنسی.

## مقدمه

رابطه جنسی، کارکرد طبیعی بین زوجین است که پذیرش و احساس رضایت از آن در حفظ نظام خانوادگی مؤثر است. زمانی که رابطه جنسی مناسب و همراه با رضایت باشد، ازدواج به یک رابطه مهم و قابل اعتماد تبدیل می‌شود. در عملکرد صحیح رابطه جنسی مشارکت لذت‌بخش در جهت عمیق‌تر کردن و تقویت صمیمیت و کم کردن فشارهای زندگی زناشویی اتفاق می‌افتد. با توجه به این که رابطه جنسی، یکی از صمیمانه‌ترین و خصوصی‌ترین ارتباط بین زوج‌هاست، لذا مشکلات و کاستی‌های این رابطه در سایر ابعاد زندگی نیز گسترش می‌یابد. وجود رابطه زناشویی در سلامت روانی افراد نقش بسزایی داشته، موجب احساس شاد بودن و ایجاد صمیمیت در زوجین می‌شود. خانواده با برقراری رابطه زناشویی سالم تداوم یافته و عامل مهمی در سلامت جامعه می‌باشد (گریف و مالهرب<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). بدیهی است که رضایت جنسی افراد با عوامل متعددی از جمله شخصیت و رفتار همسر، عوامل اجتماعی، سن و اعمال جنسی ارتباط دارد (مانیلا و کانتولا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). هم‌چنین یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر نارضایتی فرد از رابطه جنسی اختلالات جنسی می‌باشد (داون، کرافت و هاکت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

هدف از برقراری روابط زناشویی، علاوه بر تقویت همبستگی و استقلال، تداوم نسل و پاسخ به نیازهای غریزی است. بهره‌گیری فیزیکی و فعالیت جنسی یکی از اساسی‌ترین ابعاد در رابطه زناشویی تلقی می‌شود، به طوری که یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های تشکیل خانواده آمیزش و تأمین نیاز جنسی است. ارضای صحیح گزینه جنسی طرفین مسأله مهم و پیچیده‌ای است که هیچ‌گاه نباید از کنار آن بی‌تفاوت گذشت؛ زیرا در استحکام و تزلزل خانواده نقش مهمی دارد. هم‌چنین تناسب و تعادل در میزان تمایلات جنسی زوجین از عوامل مهمی است که در موقعیت زندگی زناشویی تأثیر دارد و هرچه این تناسب بیشتر باشد به همان نسبت نیز رابطه جنسی لذت‌بخش‌تر و اختلاف زناشویی کمتر می‌شود (نجاتی<sup>۴</sup>، ۱۳۸۰). برقراری رابطه جنسی سالم از نظر روان‌شناسان رابطه‌ای عقلی و عاطفی است که در آن باید امنیت، سلامت، شخصیت و حقوق طرفین به طور کامل حفظ شود.

از این‌رو رابطه جنسی و ارضای نیازهای جنسی در حد اعتدال به عنوان یکی از نیازهای فیزیولوژیک موجب سلامت انسان می‌شود و اگر گزینه ارضا نشود فشارهای زیاد جسمی و روانی ناشی از آن فرد را به بیراهه می‌کشاند. در سلامت او اختلال ایجاد کرده و توانمندی‌ها و خلاقیت‌های او را تقلیل می‌دهد (کاویانی<sup>۵</sup>، ۱۳۷۸). رضایت از رابطه جنسی یکی از عوامل مهم رضایت از زندگی زناشویی است (یانگ، کلوسکو و ویشار<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). لذا افرادی که رضایت بالایی از رابطه جنسی با همسر دارند، عشق و علاقه زیادی نسبت به همسر را گزارش می‌دهند (اسپرچر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). به طوری که رضایت از رابطه جنسی با رضایت از زندگی مشترک ارتباط مستقیم داشته و نارسایی در یکی باعث اختلال در دیگری خواهد شد (ریچارد<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹). عدم رضایت از رابطه جنسی ممکن است مشکلاتی از قبیل افسردگی برای فرد ایجاد کند (بوید<sup>۹</sup>، ۲۰۰۲) و یا موجب طلاق و جدایی زن و شوهر شود (یانگ<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۴).

یکی از مؤلفه‌های روان‌شناختی که اخیراً در حیطه بهداشت روانی مورد توجه قرار گرفته و به اعتقاد پژوهشگران نقش بنیادی در سازگاری افراد دارد، سبک دلبستگی می‌باشد. بالبی<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۰) از اصطلاح دلبستگی برای شرح پیوندهای عاطفی استفاده می‌کند که با افراد خاص در زندگی‌مان احساس می‌کنیم (میکولینسر<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳). به عقیده هازن و شیور<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۷) دلبستگی نظامی است که خود را در روابط عاشقانه بزرگسالی بروز می‌دهد و مفهوم دلبستگی به همسر برای زنان و شوهران جزء پاداش‌های ازدواج تلقی می‌شود. پاپالیا، اولدز و فلدمن<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۷) نیز دلبستگی را پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری می‌دانند که بین کودک و مادر یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائمی با آنهاست، ایجاد می‌شود.

بالبی ابراز داشت که تجربیات نوزادان با مراقبان خود سبب ایجاد جلوه‌های دلبستگی درونی یا الگوهای فعال‌ساز درونی درباره خودشان و دیگران در روابط می‌شوند و این نموده‌های دلبستگی،

انتظارات در مورد روابط و آینده را شکل می‌دهند. از سوی دیگر طرحواره‌ها باورهای ارزیابی‌گرایانه در مورد خود و دیگران را شامل می‌شوند. چنین بیان شده که بازنمایی‌های دلبستگی می‌تواند به عنوان طرحواره‌های شناختی برای روابطی مفهوم‌سازی شود که در پاسخ به تجربیات با مراقبان دوران کودکی شکل گرفته‌اند (ویردن، پیترز، بری، باروکلو و لیورساید<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۸).

ژرف‌ترین ساختارهای شناختی، طرحواره‌ها هستند (بک و همکاران، به نقل از سویتزر<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۶؛ یانگ، ۱۹۹۴). طرحواره‌ها در رویارویی با محرک‌های جدید بر پایه ساختار پیشین خود، اطلاعات به دست آمده را رمزگشایی و ارزیابی می‌کنند (بک، به نقل از جکوبین<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۷) و بدین ترتیب بر نگرش افراد نسبت به خود و جهان پیرامون‌شان تأثیر می‌گذارند. یانگ آن دسته از طرحواره‌هایی را که به رشد و شکل‌گیری مشکلات روان‌شناختی می‌انجامند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌نامد. این طرحواره‌ها الگوهای شناختی و هیجانی آسیب‌رسانی هستند که در جریان اولیه رشد آغاز شده و در طول زندگی تداوم می‌یابند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ مکگین و یانگ، به نقل از نورداهل، هوه و هاگ<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۵).

یانگ پانزده طرحواره ناسازگار اولیه را که در ۵ گروه سازمان یافته‌اند مطرح نمود. گروه اول (بریدگی / طرد) شامل زیرمجموعه‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی / بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی / بیگانگی، نقص / شرم است. گروه دوم (خودگردانی و عملکرد مختل شامل شکست، وابستگی / بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به زبان یا بیماری خود تحول نیافته / گرفتار)، گروه سوم (محدودیت‌های مختل) شامل استحقاق / بزرگ‌منشی و خویش‌تنداری / خودانضباطی ناکافی، گروه چهارم (دیگرجهت‌مندی) شامل تمرکز افراطی بر نیازها، تمایلات و احساسات دیگران، اطاعت و ازخودگذشتگی و گروه پنجم (گوش به زنگی بیش از حد و بازداری) شامل بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

در بافت روان‌شناسی و روان‌درمانی طرحواره‌ها به طور کلی به عنوان یک اصل سازمان‌بخش کلی در نظر گرفته می‌شود که برای درک تجارب زندگی فرد ضروری است. طرحواره‌ها مفروضه‌ها یا قوانین زیربنایی هستند که افکار و رفتارهای فرد را کنترل می‌کنند و در طول سال‌های زندگی فرد تحول یافته‌اند. محتوای طرحواره‌ها کلیه جنبه‌های زندگی فرد اعم از آگاهانه یا ناآگاهانه را در بر می‌گیرد. در عین حال، تحول طرحواره‌ها تحت تأثیر فرهنگ، خانواده، مذهب و عوامل مربوط به جنسیت سن یا شخصیت فرد قرار دارد، در حقیقت طرحواره‌ها ذخیره می‌شوند تا در شرایط خاص فعال شوند. طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیر ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان‌فردی به صورت سوءتفاهم، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌زنی‌های نادرست، هدف و چشمداشت‌های غیرواقع‌بینانه مشخص می‌شوند (یوسفی<sup>۱۹</sup>، ۱۳۸۹).

بررسی‌های چندی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار

اولیه در شکل‌گیری و گسترش بسیاری از مشکلات روان‌شناختی هم‌چون اختلال‌های شخصیت، افسردگی مزمن و اختلال‌های اضطرابی نقش دارند (پلتز، ماسون و تایسون<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان داده است که ویژگی‌های شخصیتی و به دنبال آن طرحواره‌های ناسازگار از عوامل سبب‌شناختی مهم در گرایش به رفتارهای پرخطر و فعالیت جنسی نایمن به شمار می‌رود (پولیمنت، مورس و گرونرت<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۰).

به نظر می‌رسد طرحواره‌هایی که با وابستگی و نقص مرتبط هستند، بیشتر در میان افراد افسرده و طرحواره‌هایی که مرتبط با حوزه آسیب‌پذیری نسبت به صدمه یا بیماری هستند اغلب در افرادی که اضطراب دارند وجود داشته باشد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). ویتاکرز، استیون و بیچ<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۹) بیان داشتند دلبستگی با عملکرد جنسی رابطه متقابلی دارد، به طوری که دلبستگی بیشتر باعث عملکرد جنسی بهتر و عملکرد جنسی بهتر نیز باعث شکل‌گیری دلبستگی مناسب می‌شود. دلبستگی ایمن، با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی دوری‌گزين یا سطوح پایین‌تری از صمیمیت، تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور، هیجان و نگرانی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (اولدریک و فیگوکورد<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۹؛ کاجادوریان، فینچام و داویلا<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۲). طرحواره‌های برخاسته از روابط والدینی، بر توانایی احساس رضایت از روابط عاشقانه تأثیر داشته (مکدمورت<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۸؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) و با صمیمیت و سازگاری در روابط عاشقانه و زناشویی، رابطه معنادار دارد (چاتای و ویشمن<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۹؛ مکدمورت، ۲۰۰۸؛ داتیلیو<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۶؛ استیلز<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۴). مکدمورت (۲۰۰۸) نشان داده است که طرحواره‌های بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، محرومیت هیجانی، استحقاق بزرگ‌منشی و خودانضباطی ناکافی، رابطه معناداری با کاهش رضایت از روابط عاشقانه دارند.

حمیدی<sup>۲۹</sup> (۱۳۸۶) نشان داد که دانشجویان متأهل برخوردار از سبک‌های دلبستگی ایمن در مقایسه با دانشجویانی که از سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا برخوردار بودند، رضایت زناشویی بالایی نشان دادند. بانز<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۴) در پژوهش خود اعلام کرد که دلبستگی ایمن با رضایتمندی زناشویی بیشتر و دلبستگی غیرایمن با رضایتمندی زناشویی کمتر، رابطه دارد. ذوالفقاری، فاتحی‌زاده و عابدی<sup>۳۱</sup> (۱۳۸۷) نشان دادند که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش چاتای و ویشمن (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای بر روی ۹۰ دانشجویان نشان داد که طرحواره‌های مثبت با رضایت زناشویی و طرحواره‌های منفی با استرس در زندگی زناشویی ارتباط داشت. استیلز (۲۰۰۴) به این نتیجه رسید که طرحواره ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی و نارضایتی جنسی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده - کاهش روابط صمیمی و عاشقانه کمتر در زوجین باشد. در پژوهشی دیگر طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقص و بی‌مهری، بی‌کفایتی، اطاعت و آسیب‌پذیری با عملکرد جنسی رابطه منفی دارد (هریس و کرتین<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۲).

مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین طرحواره‌ها و سبک‌های دلبستگی با اختلال عملکرد جنسی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است، اما نقش این دو متغیر پیش‌بین در تبیین اختلال عملکرد جنسی مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا در پژوهش حاضر رابطه طرحواره ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود کدام یک از این دو متغیر پیش‌بین نقش مهم‌تری در پیش‌بینی اختلال عملکرد جنسی دارد. به نظر می‌رسد تاکید بر محتوا و فرآیند پردازش فکری و صرف کار کردن در سطح افکار خودآیند منفی و باورهای بیمارانه، در درمان اختلالات مزمن و مقاوم نسبت به درمان هم‌چون اختلال عملکرد جنسی کافی نباشد و باید به ساختارهای شناختی بیمارانه به خصوص طرحواره‌های شناختی ناسازگارانه به عنوان پایه‌ای‌ترین و نخستین ستون شناختی توجه بیشتری نمود. بنابراین، در این مطالعه پرسش اساسی تحقیق عبارت بود از: آیا بین متغیرهای طرحواره ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی و اختلال عملکرد جنسی رابطه وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان بر اساس متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی به پیش‌بینی اختلال عملکرد جنسی پرداخت؟

## روش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. بر اساس هدف این مطالعه، ارتباط بین متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با عملکرد جنسی ارزیابی و در نهایت، امکان پیش‌بینی متغیر ملاک (عملکرد جنسی) بر اساس متغیرهای پیش‌بین (طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی) بررسی شد. از این رو، با اجرای سه پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی و عملکرد جنسی در مورد شرکت‌کنندگان اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. در نهایت، همبستگی نمره‌های آنان با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه بررسی و تحلیل شدند.

## جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان زن متأهل شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال ۱۳۹۲ بود. با توجه به نوع مطالعه و تعداد متغیرهای پیش‌بین در تحلیل رگرسیون بنا به توصیه تاباچینک و فیدل<sup>۳۳</sup> (۲۰۰۷) حجم نمونه براساس قاعده تعداد متغیرهای پیش‌بین به اضافه ۱۰۴ ( یعنی،  $۱۱۲=۸+۱۰۴$ ) برآورد شد. در نهایت، با در نظر گرفتن مسائل اجرایی، هزینه و افت آزمودنی‌ها، حجم نمونه نهایی ۱۲۵ نفر تعیین شد. بر اساس روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از بین دانشکده‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن (۷ دانشکده) ۲ دانشکده روان‌شناسی و دانشکده علوم تربیتی و مشاوره به طور تصادفی انتخاب و در طول سه روز طی یک هفته، با مراجعه به دانشکده‌های منتخب و مراجعه به کلاس‌ها، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند

(پرسش کردن از آزمودنی‌های مؤنث در مورد متأهل بودن) همه آزمودنی‌های متأهل حاضر در کلاس معین به پرسش‌نامه‌ها به طور هم‌زمان پاسخ دادند. با روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای و روش هدفمند ۱۲۵ نفر از دو دانشکده روان‌شناسی و دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن انتخاب شدند.

### ابزار پژوهش

در این تحقیق، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از سه پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و پرسش‌نامه عملکرد جنسی استفاده شد.

**پرسش‌نامه سبک دلبستگی<sup>۳۴</sup> هازن و شیور:** پرسش‌نامه سبک دلبستگی دارای ۱۵ سؤال است و توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) ارائه شده است. این پرسش‌نامه دارای سه خرده‌مقیاس (دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) است که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم، ۱، کم، ۲، متوسط، ۳، زیاد، ۴، خیلی زیاد، ۵) نتایج را می‌سنجد. سؤالات مربوط به سبک اجتنابی (۱، ۲، ۳، ۴، ۵)، سبک ایمن (۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰) و سبک دوسوگرا (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵) هستند. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده‌مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی ۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ و برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است.

مقیاس دلبستگی بزرگسال یا سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱، ۰/۷۵ محاسبه شد. تحلیل عاملی پرسش‌نامه هازن و شیور (۱۹۸۷) توسط کولینز و رید<sup>۳۵</sup> (۱۹۹۰) به استخراج سه عامل عمده منجر شد که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط نزدیک و صمیمی تفسیر می‌شود. هازن و شیور (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل این پرسش‌نامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند که پایایی مطلوبی را نشان می‌دهد. کولینز و رید (۱۹۹۰) هم پایایی بالایی با آلفای کرونباخ (۰/۷۹) در مورد این ابزار به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس سبک ایمن ۰/۷۷، در خرده‌مقیاس سبک اجتنابی ۰/۸۱، در خرده‌مقیاس سبک دوسوگرا ۰/۸۳ و برای کل مقیاس ۰/۷۵ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی پرسش‌نامه دلبستگی است. اعتبار محتوایی و صوری این پرسش‌نامه با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پنج نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب همبستگی از ۰/۷۷ تا ۰/۸۳ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۷ تا ۰/۸۰ برای سبک دلبستگی اجتنابی و از ۰/۶۹ تا ۰/۸۷ برای سبک دلبستگی دوسوگرا به دست آمد.

**پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه یانگ (فرم کوتاه)<sup>۳۶</sup>:** این پرسش‌نامه ۷۵ ماده‌ای توسط یانگ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شد. این طرحواره‌ها دارای ۵ حوزه مشتمل بر بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل است. هر سؤال در یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (از ۱ برای کاملاً نادرست، تا ۶ برای کاملاً درست). در این پرسش‌نامه هر پنج سؤال یک طرحواره را می‌سنجد. پایایی و روایی این ابزار در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است (بارناف و اوایل<sup>۳۷</sup>، ۲۰۰۷). هنجاریابی این پرسش‌نامه در ایران توسط آهی<sup>۳۸</sup> (۱۳۸۴) در دانشگاه‌های تهران انجام گرفته، همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ به دست آمده، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش حاضر ۰/۹۴ بود.

**پرسش‌نامه ارزیابی عملکرد جنسی<sup>۳۹</sup>:** پرسش‌نامه عملکرد جنسی شامل ۱۹ ماده و از نوع خودسنجی است. این آزمون، عملکرد جنسی فرد را در حوزه‌های مختلف جنسی مانند میل، تحریک، لیزشدگی، ارگاسم و رضایت جنسی ارزیابی می‌کند. این پرسش‌نامه بر مبنای معیارهای DSM-IV-TR تهیه و تنظیم شده است. پرسش‌نامه عملکرد جنسی مشتمل بر دو فرم مردان و زنان است (در این مطالعه از فرم مربوط به زنان حاوی ۱۱ ماده، استفاده شد). مجموع نمره‌های آزمودنی به عنوان ملاک ارزیابی عملکرد جنسی در نظر گرفته می‌شود. همسانی درونی ماده‌های این پرسش‌نامه در این مطالعه ۰/۹۰۲ محاسبه شد.

## یافته‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و جهت سؤالات تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

جدول ۱: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های کل شرکت‌کنندگان در آزمون‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه (۵ حیطة)، سبک‌های دلبستگی (۳ سبک) و عملکرد جنسی (N=۱۲۷)

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف‌معیار	کجی	کشیدگی
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	بریدگی و طرد	۵۰/۱۹	۱۸/۱۲	۱/۱۰۸	۰/۹۰۹
	خودگردانی و عملکرد مختل	۳۷/۳۴	۱۵/۳۴	۱/۱۸۴	۱/۴۷۰
	دیگر جهت‌مندی	۲۷/۳۵	۸/۵۵	۰/۱۹۱	-۰/۵۵۲
	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۲۷/۲۹	۸/۵۴	۰/۴۸۳	-۰/۵۷۶
	محدودیت‌های مختل	۲۹/۳۰	۱۰/۱۱	۰/۵۹۹	-۰/۱۳۸
سبک‌های دلبستگی	اجتنابی	۱۶/۹۴	۳/۵۴	-۰/۰۳۵	-۰/۰۹۱
	ایمن	۱۶/۸۹	۳/۱۲	۰/۰۷۷	۰/۵۷۵
	دوسوگرا	۱۲/۳۰	۳/۲۹	۰/۱۸۰	-۰/۱۶۸
عملکرد جنسی	عملکرد جنسی	۳۱/۴۶	۳/۹۲	۰/۱۳۰	-۰/۷۵۲



براساس اطلاعات جدول بالا در خصوص توزیع نمره‌های شرکت‌کنندگان در متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه (۵ حیطه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل)، سبک‌های دلبستگی (۳ سبک اجتنابی، ایمن و دوسوگرا) و عملکرد جنسی، شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های مختلف به ویژه کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه در متغیرهای اندازه‌گیری شده به توزیع نرمال میل دارند.

**جدول ۲: خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون**

بین متغیرها (N=۱۲۷)

عملکرد جنسی r	متغیرها
-.۳۴۰**	بریدگی و طرد
-.۲۱۸*	خودگردانی و عملکرد مختل
-.۲۳۶*	دیگرجهت‌مندی
-.۱۷۶	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری
۰/۱۰۳	محدودیت‌های مختل
-.۰۵۴	اجتنابی
-.۰۳۶	ایمن
-.۰۸۳	دوسوگرا

\*معنادار در سطح ۰/۰۵ ، \*\*معنادار در سطح ۰/۰۱

برای آزمون فرضیه تحقیق، با توجه به تعداد و نوع متغیرهای پیش‌بین یعنی، متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه (۵ حیطه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل)، سبک‌های دلبستگی (۳ سبک اجتنابی، ایمن و دوسوگرا) (کمی) و متغیر ملاک یعنی، عملکرد جنسی (کمی) از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

**فرضیه:** براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه (۵ حیطه) و سبک‌های دلبستگی (۳ سبک) می‌توان عملکرد جنسی زنان را پیش‌بینی کرد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار  $R^2$  به دست آمده (۰/۲۱۱) بدین معنی است که ۲۱/۱٪ از واریانس متغیر عملکرد جنسی توسط ۵ حیطه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل و ۳ سبک اجتنابی، ایمن و دوسوگرا تبیین می‌شود.

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی عملکرد جنسی بر اساس  
طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی

t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	پیش‌بینی‌کننده‌ها
۱۲/۱۴۵**	-	۴۳/۸۴۵	عدد ثابت
-۳/۵۵۶**	-۰/۶۳۱	-۰/۱۳۶	بریدگی و طرد
۰/۷۱۷	۰/۱۱۱	۰/۰۲۷	خودگردانی و عملکرد مختل
-۱/۶۲۶	-۰/۱۷۹	-۰/۰۸۰	دیگرجهت‌مندی
۰/۰۶۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری
۱/۹۴۸	۰/۲۶۲	۰/۰۹۹	محدودیت‌های مختل
-۲/۶۶۳**	-۰/۳۰۴	-۰/۳۲۶	اجتنابی
-۰/۶۳۳	-۰/۰۶۵	-۰/۰۷۶	ایمن
-۰/۴۶۷	-۰/۰۴۵	-۰/۰۵۲۰	دوسوگرا

$$R=۰/۴۶۰؛ R^2=۰/۲۱۱؛ R^2=۰/۱۴۳؛ F=۳/۰۷۹**$$

\*\* معنادار در سطح ۰/۰۱

مقدار R مشاهده شده (۰/۴۶۰) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۳/۰۷۹) در سطح اطمینان حداقل ۹۹٪ معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر عملکرد جنسی همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه تحقیق کافی است. با این حال، با مراجعه به اماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که تنها دو متغیر بریدگی و طرد و سبک دلبستگی اجتنابی با متغیر عملکرد جنسی همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیرهای بریدگی و طرد و سبک دلبستگی اجتنابی با متغیر عملکرد جنسی همبستگی منفی و معنادار دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

طبق یافته‌های این مطالعه، بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر عملکرد جنسی همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه تحقیق کافی است، هرچند، تنها دو متغیر بریدگی و طرد و سبک دلبستگی اجتنابی با متغیر عملکرد جنسی همبستگی معنادار داشتند. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیرهای بریدگی و طرد و سبک دلبستگی اجتنابی با متغیر عملکرد جنسی همبستگی منفی و معنادار دارند. به طور کلی، یافته‌های این تحقیق با بسیاری از نتایج مطالعات دیگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جمله ویتاکرز و همکاران (۱۹۹۹)، اولدربک و فیگوکورد (۲۰۰۹)، کاجادوریان و همکاران (۲۰۰۲) و مکدمورت (۲۰۰۸) مطابقت دارد. از نظر بالینی (۱۹۸۰)، الگوهای عمل درونی انسان تحت تأثیر تجارب مکرر روزانه کودک با انگاره‌های دلبستگی ساخته می‌شوند. در واقع، الگوهای عملی از دیگران، تصوراتی است که کودک از

ماهیت، خصوصیات و رفتارهای مورد انتظار اطرافیان و دنیا ساخته است. به وسیله این الگوها فرد وقایع محیط اطراف خود را درک کرده و آن‌ها را ارزیابی می‌کند، آینده را پیش‌بینی می‌کند، برنامه‌ها و طرح‌هایی می‌سازد و انتظارات خود را از پاسخ‌ها و رفتار اطرافیان شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد کیفیت دلبستگی اولیه در دوران کودکی مبنای روابط اجتماعی بعدی با همسالان و بزرگسالان باشد که می‌تواند طی نوجوانی اصلاح و یا حتی به شدت تثبیت شود. از این نظر نوجوانی دوران استحکام دلبستگی است. کیفیت دلبستگی به عنوان یک عامل حمایتی یا خطرزا برای سازگاری بعدی محسوب می‌شود (براون و رایت<sup>۴۰</sup>، ۲۰۰۱). الگوهای رفتاری برخاسته از طرحواره باعث می‌شوند افراد به طور ناخودآگاه دست به انتخاب موقعیت‌هایی بزنند و در آن‌ها درگیر شوند تا طرحواره‌ها را تداوم بخشند. زنی با طرحواره اطاعت، احتمال دارد مردانی را برای ازدواج انتخاب کند که سلطه‌گر هستند. بدین ترتیب او همیشه نقش یک فرد مطیع را بازی می‌کند و احساس آرامش می‌کند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). رابطه جنسی، کشش طبیعی در فضای مناسب خانواده است که پذیرش و احساس رضایت از آن در حفظ نظام خانوادگی مؤثر است، زمانی که رابطه جنسی کامل و همراه با رضایت باشد ازدواج به یک رابطه مهم و قابل اعتماد تبدیل می‌شود. در عملکرد صحیح رابطه جنسی، مشارکت لذت‌بخش در جهت عمیق‌تر کردن و تقویت صمیمیت و کم کردن فشارهای زندگی زناشویی اتفاق می‌افتد. با توجه به این‌که رابطه جنسی یکی از صمیمانه‌ترین و خصوصی‌ترین ارتباط‌ها بین زوجین است، لذا مشکلات و کاستی‌های این رابطه در سایر ابعاد زندگی نیز گسترش می‌یابد (مک کارتی<sup>۴۱</sup>، ۲۰۰۳).

روابط جنسی با تأثیر بر افکار و احساسات زوجین می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم روابط میان آن‌ها را در ابعاد وسیعی تحت‌الشعاع خود قرار دهد. بدین معنی زوجینی که در این زمینه با هم سازگاری داشته و از این بابت خوشحال و مسرورند، قادرند به راحتی از بسیاری از ناهماهنگی‌های زندگی خویش چشم‌پوشی نمایند، در حالی که ناهماهنگی‌های زندگی می‌تواند در زوجینی که ناسازگاری در روابط جنسی دارند عواقب وخیمی به وجود آورد (استون و استون<sup>۴۲</sup>، بی‌تا، ترجمه اخوان). بنابراین، رضایت از رابطه جنسی یکی از عوامل مهم رضایت از زندگی زناشویی است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). اختلال عملکرد جنسی به هر علتی که ایجاد شود، موجب پایین آمدن کیفیت زندگی و نارضایتی از روابط با دیگران می‌شود. زنانی که در مقایسه با همسرشان میل به رابطه جنسی پایین‌تری دارند رضایت از رابطه زناشویی پایین‌تری را گزارش می‌دهند. عدم رضایت از رابطه جنسی ممکن است مشکلاتی از قبیل افسردگی برای فرد ایجاد کند و یا موجب طلاق و جدایی زن و شوهر شود (بوید، ۲۰۰۲).

نتایج این مطالعه نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه (هرچند، تنها در یک حیطة بریدگی و طرد) و سبک دلبستگی اجتنابی با عملکرد جنسی زنان ارتباط معناداری دارند. بنابراین، در خصوص

شکل‌گیری الگوهای از دوران کودکی و تداوم آن‌ها در دروه‌های نوجوانی و جوانی باید دقت لازم را نشان داد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به عدم کنترل متغیرهای جمعیتی و شخصی شرکت‌کنندگان، بازداری نهفته وابسته به فرهنگ در پاسخدهی شرکت‌کنندگان به پرسش‌نامه‌ها به ویژه پرسش‌نامه عملکرد جنسی و محدودیت در دامنه سنی آزمودنی‌ها اشاره نمود. از پیشنهادهای پژوهشی می‌توان به اجرای پرسش‌نامه‌های مربوط در محیط‌های حرفه‌ای به منظور رفع محدودیت در پاسخدهی آزمودنی‌ها، اجرای تحقیق با اهداف بررسی تأثیر تعاملی متغیرهای مورد مطالعه با سایر متغیرهای احتمالی مؤثر مانند جنسیت، مدت ازدواج، سن و طبقه اجتماعی خانواده و استفاده از فنون دیگر نظیر مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی اشاره کرد و همچنین از آموزش والدین برای آگاهی از نقش متغیرهای مورد مطالعه به ویژه عملکرد جنسی، آموزش افراد با موضوعات جنسی مطابق با هنجارها و عرف و آموزش برای آگاهی از نقش عملکرد جنسی در حفظ و تداوم زندگی مشترک نام برد.

#### پی‌نوشت‌ها

- |                                                              |                                              |
|--------------------------------------------------------------|----------------------------------------------|
| 1. Greef & Malherb                                           | 23. Olderbak & Figured                       |
| 2. Mannila & Kontula                                         | 24. Kachadourian, Fincham & Davila           |
| 3. Dunn, Croft & Hackett                                     | 25. Mcdermott                                |
| 4. Nejati                                                    | 26. Chatay & Wishman                         |
| 5. Kaviani                                                   | 27. Dattilio                                 |
| 6. Young, Klosko & Weishaar                                  | 28. Stilez                                   |
| 7. Sprecher                                                  | 29. Hamidi                                   |
| 8. Richard                                                   | 30. Banes                                    |
| 9. Bovyd                                                     | 31. Zolfaghari, Fatehi Zadeh & Abedi         |
| 10. Young                                                    | 32. Harris & Curtin                          |
| 11. Bowlby                                                   | 33. Tabachnick & Fidell                      |
| 12. Mikulincer                                               | 34. Adult Attachment Questionnaire           |
| 13. Hazan & Shaver                                           | 35. Collins & Read                           |
| 14. Papalia, Olds & Feldman                                  | 36. Young's Schema Questionnaire- Brief Form |
| 15. Weardev, Peters, Berry, Barro-<br>wccloough & Liversidge | 37. Baranoff & Oeil                          |
| 16. Switzer                                                  | 38. Ahi                                      |
| 17. Jacquin                                                  | 39. Sexual Function Questionnaire (SFQ)      |
| 18. Nordahl, Hohe & Hague                                    | 40. Brown & Wright                           |
| 19. Yousefi                                                  | 41. McCarty                                  |
| 20. Plats, Mason & Tyson                                     | 42. Stone & Stone                            |
| 21. Poliment, Moore & Grunert                                |                                              |
| 22. Whitaker, Steven & Beach                                 |                                              |

## منابع

- آهی، ق. (۱۳۸۴). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسش‌نامه طرحواره‌های یانگ (بررسی ساختار عاملی) بین دانشجویان دانشگاه تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- استون، ه. و استون، ا. (بی‌تا). *پاسخ به مسائل جنسی و زناشویی*. ترجمه ط. اخوان (۱۳۷۰). تهران: نشر گلشایی.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری*. فصلنامه *خانواده‌پژوهی*، سال سوم، شماره ۱، ۴۴۳-۴۵۳.
- ذوالفقاری، م.، فاتحی‌زاده، م. و عابدی، م. (۱۳۸۷). *تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان*. فصلنامه *خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، شماره ۳، ۲۶۱-۲۴۱.
- کویانی، م. (۱۳۷۸). *روان‌شناسی سلامت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نجاتی، ح. (۱۳۸۰). *روان‌شناسی زناشویی*. تهران: نشر بیکران.
- یوسفی، ر.، عابدین، ع. ر.، تیرگری، ع. و فتح‌آبادی، ج. (۱۳۸۹). *اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرحواره‌ها در ارتقای رضایت زناشویی*. *مجله روان‌شناسی بالینی*، سال دوم، شماره ۳، ۲۵-۳۸.
- Ahi, G. (2005). *Standardizing of Brief form of Young Early Maladaptive Schemas Questionair (Factorial Structure Investigating) among Tehran University Students*. Master thesis, Allame Tabatabaei University [in Persian].
- Banes, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.
- Baranoff, J., & Oeil, T. (2007). Young Schema Questionnaire: Review of Psychometric and Measurement Issues. *Australian Journal of Psychology*, 59(2) 78-86.
- Bovyd, M. (2002). *Psychiatric nursing, contemporary practice*. Second edition, New York: Lippincott.
- Bowlby, J. (1980). *A secure base: Clinical applications of attachment theory*. New York: Basic Books.
- Brown, L. S., & Wright, J. (2001). Attachment theory in adolescence and its relevance to development psychopathology. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 8, 15-32.
- Chatay, Y., & Wishman, M. A. (2009). Partner schemas and relationship functioning: a states of mind Analysis. *Behavior Therapy*, 40(1) 50-56.
- Collins, N. L., & Read, S. L. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663.
- Dattilio, F. M. (2006). Restructuring schemata from family of origin in couple therapy. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 20(4) 359-373.
- Dunn, K. M., Croft, P. R., & Hackett, G. I. (2000). The association of sexual problems with social, psychological and physical problems in men and women, Across Sectional Population Survey. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 53, 144-148.
- Greef, A, & Malherbe, H. (2009). Intimacy and marital satisfaction in spouses. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 27(3) 242-257.
- Hamidi, F. (2007). [Investigating the Relationship of Attachment Styles and Marital Satisfaction in Married Teacher Students]. *Journal of Family Research*, 3(1) 443-453 [in Persian].

- Harris, A., & Curtin, I. (2002). Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults. *Cognitive Therapy and Research*, 26(3) 405-416.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Jacquín, K. M. (1997). *The effects of maladaptive schemata on information processing*. Doctoral dissertation, University of Texas, Austin.
- Kachadourian, L. K., Fincham, F., & Davila, J. (2004). The tendency to forgive in dating and married couples: The role of attachment and relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 11, 373-393.
- Kaviani, M. (1998). [*Health Psychology*]. Tehran: Tehran University Publications [in Persian].
- Mannila, E., & Kontula, O. (2004). Correlation of increased sexual satisfaction. *Archives of Sexual Behavior*, 28(4) 399-416.
- McCarty, B. (2003). Marital sex as it ought to be. *Journal of Family Psychotherapy*, 14(2) 45-58.
- McDermott, N. (2008). *Early maladaptive schemas, attachment, negative affect and relationship satisfaction*. Master thesis. Rowan University.
- Mikulincer, M. (2003). Attachment theory and affect regulation: The dynamics development and cognitive consequence of attachment related strategies motivation and emotion. *Psychology Press*, 97(2) 77- 99.
- Nejati, H. (2000). [*Marital Psychology*]. Tehran: Bikaran Publications [in Persian].
- Nordahl, H. M., Hohe, H & Hague, J. A. (2005). Early Maladaptive schemas in patients without personality disorders: Does schema modification predict symptomatic relief? *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 12, 142-149.
- Olderbak, S., & Figuered, A. J. (2009). Prediction romantic relationship satisfaction from lift history strategy. *Journal of Personality and Individual Difference*, 46, 604-610.
- Papalia, D. E., Olds, S. W., & Feldman, R. D. (2007). *A child's world: Infancy through Adolescence*. New York: McGraw Hill.
- Plats, H., Mason, O., & Tyson, M. (2005). Early maladaptive schema and adult attachment in a UK clinical sample psychology and psychotherapy. *Theory, Research and Practice*, 78, 549-564.
- Poliment, A. M., Moors, S. M. & Grunert, S. (2010). MMPI-2 profiles of client with substance dependencies accessing a therapeutic community treatment facility. *Electronic Journal of Applied Psychology*, 6(1) 1-9.
- Richard, R. (1999). *Psychology today*. (1<sup>st</sup> Ed.). New York: McGraw Hill.
- Sprecher, S. (2002). Sexual Satisfaction in Premarital Relationship: Associations with Satisfaction, Love, Commitment and Stability. *The Journal of Sex Research*, 39(3) 190-196.
- Stiles, O. (2004). *Early maladaptive schemas and intimacy in young adults' romantic relationship*. Doctoral dissertation. Alliant International University.
- Stone, B., & Stone, A. ( no date). *Responding to sexual and marital problems* (T. Akhavan, Trans.). Tehran: Golshaei Publications [in Persian].

- Switzer, I. (2006). *Early maladaptive schemas predict risky sexual behaviors*. Masters thesis. Mississippi State University.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using Multivariate Statistics*. Boston: Pearson/Allyn & Bacon.
- Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, C. H., & Liversidge, T. (2008). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences, 44*, 1246-1257.
- Whitaker, D. J., Steven, R., & Beach, J. (1999). *Attachment and Expectation about Future Relationships: Moderation by Accessibility*. Georgia: University of Georgia.
- Young, J. E. (1998). *Young Schema-Questionnaire, Short Form*. New York: Cognitive Therapy Centre.
- Young, J. E. (1994). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema- focused approach*. Sarasota, FL: Professional Resource Press.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford Press.
- Yousefi, R., Abedin, A. R., Tirgari, A., & Fathabadi, J. (2010). [The effectiveness of training intervention based on Schemas Model on marital satisfaction enhancement]. *Journal of Clinical Psychology, 2(3)* 25-38 [in Persian].
- Zolfaghari, M., Fatehi Zadeh, M., & Abedi, M. (2008). [Determining Relationships between Early Maladaptive Schemas and Marital Intimacy among Mobarakeh Steel Complex Personnel]. *Journal of Family Research, 4(3)* 247-261 [in Persian].

